دوفصلنامه علمی ـ تخصصی خانواده در آیینه فقه
سال ششم/شماره ٦/ بهار و تابستان ١٤٠٠

Two quaterly scientific- specified
Family in the mirror of jurisprudence
Years, ٦ No.٦, Spring and Summer ٢٠٢١

مادر و پرورش فرزند از منظر فقه و تربیت اسلامی

□محمد احسانی *

چکیده

مقاله حاضر به منظور تبیین نقش مادر در تربیت فرزند از منظر فقه و تربیت اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی در فضای کتابخانه تدوین شده است. هدف عمده مقاله آگاه سازی مادران از نقش تربیتی آنان قبل و بعد از تولد در پرورش فرزند است که با استفاده از منابع جدید علوم تربیتی و متون دینی آیات و روایات به انجام رسیده است. فقه و تربیت اسلامی به خوبی وظایف مادران را در پروش فرزندان بیان و روشن ساخته اند که با مراجعه به آن می توانند افراد شایسته ای را تربیت و تحویل جامعه دهند. در مجموع مادر پیش از به دنیا آمدن فرزند می تواند زمینه مناسبی را برای تربیت روحی و معنی او فراهم سازد. چه اینکه آغاز شخصیت انسان از همان دوران جنینی شکل می گیرد و نوع تغذیه، رفتار و حالات روحی و روانی مادر تأثیر بسزایی در چگونگی تربیت فرزند دارند. بعد از تولد نقش مادر در تربیت فرزند بیش از گذشته روشن است و می تواند صفات برجسته ای همانند عزت نفس، اخلاق نیکو، تعهد دینی و مذهبی، خودباوری، احترام به دیگران و... را در او ایجاد و تقویت کند.

کلید واژگان: مادر، فرزند، کودک، پرورش، فقه، تربیت اسلامی.

* استادیار جامعه المصطفی، پژوهشگاه بین المللی، گروه اخلاق و تربیت اسلامی

مقدمه

در فقه و متون اسلامی دستور العملهای مهمی در تربیت فرزند و عوامل مؤثر در آن، وارد شده است که عمل به آن در پرورش دینی و اخلاقی فرزندان تأثیر بسزا دارد. برخورد مادر با فرزند و نحوه رفتار او با وی، همچنین تربیت عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزند در بسیاری از آیات و روایات و سیره معصومین(ع) به نحو مطلوبی بیان شده و در هر مورد راهکارهای مناسبی نیز ارائه شده است که توجه به آنها در چگونگی تربیت اولاد بسیار مفید می باشد. این نوشتار سعی دارد، نقش مادر را در تربیت دینی فرزندان در فقه وتربیت اسلامی براساس آیات و احادیث معصومان(ع) بررسی و دید گاه فقه اسلامی را در این زمینه تبیین نماید. چرا که مادر از منظر اسلام جایگاه بس والایی در خانواده و اجتماع دارد و نقش او در پرورش فرزند بسیار مهم و سرنوشت ساز است. مسئله ای که با آن رو به رو هستیم، عدم توجه بسیاری از مادران به وظایف مادری و ایفای نقش خود در تربیت فرزند است. زندگی امروزی به گونه ای است که مادران را از انجام مسؤلیتهای اصلی بازداشته و به کارهای فرعی وا دار می سازد. در نتیجه فرزندانِ رشد یافته در محیط خانواده هایی که چنین زنانی سکان دار آن هستند، نیز چندان آشنایی با فقه و تربیت اسلامی ندارند. ازاین جا، در اثر ورود این گونه فرزندان به جامعه، وقوع جرم و جرایم رو به افزایش می گذارد و ادامه این روند قطعاً به ضرر جامعه اسلامی خواهد بود.

اینک سوال اصلی این است که نقش مادر در تربیت دینی فرزند چیست؟ سوالهای فرعی مترتب بر آن این قابل طرح است که: قلمرو نقش آفرینی مادر در پرورش فرزند چقدر است؟ مختص به حیطه رفتاری است؟ یا حیطه های شناختی و عاطفی را نیز در برمی گیرد؟ عمده هدف مقاله، ضمن پاسخ به سوالهای یادشده، آگاه سازی مخاطبان از نقش مادر در تربیت فرزند، به ویژه از منظر فقه و تربیت اسلامی است و این که مادران چه اندازه در تربیت صحیح فرزندان تأثیر گذارند و با چه شیوه هایی می توانند، انسانهای مؤمن و شایسته ای را پرورش داده، تحویل جامعه دهند.

مفهوم شناسی

مفاهیم اصلی به کار رفته در موضوع تحقیق عبارتند از فقه، احکام فقهی، کودک، تربیت، تحلیل تربیتی. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آنها در آغاز بحث ضروری است. چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی توان مسیر درستی را در پژوهش انتخاب کرد و به نتایج مطلوب دست یافت. ازاین رو، در این قسمت از نوشتار به شناسایی و تعریف واژگان اساسی به کار رفته در این تحقیق اشاره می-شود. بدین وسیله هم بیان و ارائه مباحث به مخاطبان آسان تر و هم فهم مطالب برای خوانندگان راحت تر می گردد.

۱. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن (موسوعه الفقه الاسلامی:۱٤۲۳ق،ج۱،ص۱۷) و در اصطلاح علم اصول، علم به احکام شرعی است که این احکام وظایف عملی انسان را معین می کند. منظور از فقه همین معنای اصطلاحی است که متکفل تبیین احکام شرعی به صورت فتوا برای مکلفین می باشد که به وسیله فقها بیان شده است. (گرجی:۱۳۷۷،ص۷) به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان، به نحوی که برای انسان علم به وظیفه حاصل شود. (مطهری:بی تا،ص٥٤) در قرآن کریم هم فقه به همین معنا به کار رفته است: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه:۱۲۲) باید بعضی از شما تفقه در دین کنند، یعنی احکام دین و حلال و حرام الهی را بفهمند تا برای دیگران بیان نمایند. منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های دلایل اثبات‌کننده آن، بعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع. (جمال الدین:۱۳٦٥،ص۲٦) فقیه در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که احکام شرعیه را توسط رأی و اجتهاد خویش از منابع یادشده به دست آورد. (تقوی:۱۳۷٤،ص۲۱۱)

۲.تربیت اسلامی

واژه «تربیت» تربیت به لحاظ هیئت شناسی، مصدر باب «تفعیل» و حاوی معنای فاعلی است که ارتباط نزدیک با مفهوم «رَبّ» پیدا می کند؛ زیرا به قول راغب «رب» نیز مصدر است و

مستعار برای فاعل، یعنی به مربی و کسی اطلاق می شود که فرایند تربیت را در عمل اجرا می کند. چنان که هر جا واژه ی رَبّ در قرآن به کار رفته به معنای تربیت کننده و پرورش دهنده است و این کلمه به صورت مطلق فقط بر خدای متعال به کار می رود. (راغب:ص۳۳٦) منظور از تربیت در این جا عبارت است از: فرایند یاری رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحتهای بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیا بی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می گیرد. (اعرافی: ۱۳۹۱،ج۱،ص۱٤۱) تربیت اسلامی به محتوای تربیت اشاره دارد که فرایند تربیت با استفاده از دستورالعملهای دینی و قرآنی به مرحله اجرا درآید.

هرچند تربیت به معنای یادشده معمولاً به دوره بعد از تولد که می تواند مصداق واقعی متربی باشد اطلاق می شود، ولی از آن جا که دوره جنینی بنیاد و اساس تربیت به حساب می آید، در این دوره هم تربیت کاربرد پیدا می کند. البته این کاربرد از باب مقدمه تربیت است که در متون اسلامی بر اهمیت آن تأکید شده است. رسول خدا(ص) فرمود: «تَزَوَّجوا فِی الحِجرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ العِرقَ دَسّاسٌ» با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه تأثیر گذار است. (هندی:۱٤۰۱ق،ج۱٦،ص۲۹٦،ح٤٤٥٥۹) همچنین پیامبر اسلام(ص) در دستوری فرمود: «أطعِمُوا المَرأةَ فِي شَهرِها الَّذي تَلِدُ فيهِ التَّمرَ فَإنَّ وَلَدَها يَكونُ حَليماً نَقِيّاً» (طبرسی»۱٤۲۱ق،ص۳٦۵) به زن در ماهی که زایمان می کند، خرما بدهید؛ چرا که فرزند او بردبار و پاك می شود. این گونه روایات بیانگر آن است که دوره جنینی از اهمیت ویژه تربیتی برخوردار است و به عنوان مقدمه تربیت توجه به آن ضرورت دارد.

جایگاه مادر

مادر، واژه اي است زيبا و پُرجاذبه همراه باعواطف و احساسات که از دير زمان تاکنون در اديان و ملتهای گذشته مورد بوده است. مادر، در هرمکتب و آييني به عنوان سمبُل ايثار و فداکاري شناخته مي شود. آغوش پُرمهر مادر مظهر صفا و صميميت، عشق و محبت، تعهد و وفاداري است که هرمادري بااحساس، حاضر است در راه تأمين نيازهاي مادي و معنوي فرزند و فراهم

ساختن وسايل رفاه و آسايش او، هرگونه از خود گذشتگي را از خود نشان دهد. مادر به لحاظ روحي و رواني آمادگي دارد كه در مسير تأمين احتياجات فرزندان خود تمام رنج و زحمتها را به جان و دل بپذيرد تا فرزندش در راحتي زندگي كند.

عنوان مادري افتخاري است براي زنان كه هرخانمي طبعاً پس از ازدواج در انتظار آن به سر مي برد و اميد مادر شدن را دارد. چرا كه وجود فرزند ثمرة پيوند زن و مرد است و اگر اين آرزو برآورده نگردد، نوعی نقص در فضاي خانواده احساس مي شود. براين اساس در هرخانواده كه نوزادي، به خصوص نخستين فرزند به دنيا بيايد سرور و خوشحالي همه اعضاي آن را فرامي گيرد. فرزند، علاوه بر اينكه ميوه شرين پيوند زناشويي است، در تحكيم پايه هاي نظام خانواده نيز تأثير بسزا دارد. وجود فرزند در خانواده نقش مادری مادر را برجسته می کند و به تعبیری به فعلیت می رساند. اگر فرزندی در نهاد خانواده نباشد، نقش مادری آشکار نمی شود. ازاین رو، وجود فرزند از یک طرف زمینه بروز نقش مادری را فراهم می سازد و از طرفی تا حدود زیادی از پیش آمد اختلافات خانوادگي جلوگيري مي كند. بسيارند خانواده هاي كه در اثر تولد فرزند همه اختلافات شان يك باره برچيده شد و در عوض، بذرمهر و محبت از نو دردل زن و شوهر كاشته شد و سرانجام به زندگي سعادت مندي نائل گشته اند.

مادر، به عنوان رکن اساسی نظام خانواده، در اداره، رشد، تکامل و سامان دهی امور مربوط به این نهاد اجتماعی نقش حیاتی دارد. با نظر به ویژگیهاي جسمانی و روانی مادر که از اوصاف ذاتی و فطری زنانه برخوردارند، انتظاراتی از مادران می رود که زمینه ساز تجلی نقشهای مادری آنان است. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می فرماید: «فَالمَرأةُ راعِيَةٌ عَلى اَهلِ بَيتِ بَعلِها وَ وُلدِهِ وَ هِيَ مَسئُولَةٌ عَنهُم» (بخاری:۱٤۱۹م، ج۲،کتاب الوصایا، باب۹، ص۲۰۸) زن نيز نگهبان خانواده شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنها مسئوليت دارد. زندگي فاطمه زهرا(س) در يك دوره نسبتاً كوتاه به مثابه تابلوي درخشاني است در مسير خانواده هاي مسلمان كه تمام زواياي آشكار و نهان آن، الگوي مناسبي در تربيت فرزند و ديگر امور خانواده براي مادران امروز جامعه است. ابراز عواطف حضرت زهرا(س) به فرزندان و مهر و محبت او با آنان نشان دهنده عمق احساسات مادري نسبت به فرزند است. (لنگرودی:۱۳۵۷،ص۲۵)

مادر و پرورش فرزند

مادر نخستین کسی است که هم قبل از بدنیا آمدن و هم بعد از تولد ارتباط مستقیم با فرزند دارد و شب و روز با هم زندگی می کنند. دوره نسبتاً طولانی و طاقت فرسای جنینی که فرزند در وجود مادر خلاصه می شود و با حرکات و سکنات او همراه است، به لحاظ تربیتی از اهمیت و حساسیت فوق العاده برخوردار می باشد. چرا که تمام خوراکیها، رفتارها، حالات روحی و روانی مادر بر چگونگی رشد و پرورش معنوی او اثر گذارند. ازاین رو، در این مقاله نقش تربیتی مادر در دو دوره پیش از تولد و بعد از تولد مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) زمینه سازی تربیتی مادر قبل از تولد فرزند

قبل از تولد، دوره جنینی اساس زندگی انسان را تشکیل می دهد و سرنوشت آدمی در حقیقت از همان جا تعیین می شود. همان گونه که رسول خدا(ص) فرمود: «اَلسَّعِیدُ مَن سَعِدَ فَي بَطنِ اُمِّهِ وَ الشَّقِيُ مَن شَقِيَ فِي بَطنِ اُمِّهِ؛ (ریشهری:۱۳۸۱،ص۱۷٦) سعید و خوش بخت کسي است که در رحِم مادرش سعید است و شقي کسي است که در رحِم مادرش شقي است. حدیث به این مطلب اشاره دارد که زمینه سعادت و شقاوت در دوران قبل از ولادت شکل مي گیرد و سر نوشت انسان در رحِم مادر تعیین مي گردد. اجمالاًاهمیت دوره جنینی به لحاظ تأثیر پذیری جنین از افکار، حالات روانی و رفتارهای مادر، از این روایت استفاده می شود و ضرورت پرداختن به آن را روشن می سازد.

۱. تأثیر غذای مادر بر جنین

آدمي مانند سائر موجودات زنده نیاز مند غذا است و با آن مي تواند به زندگي خود ادامه دهد. تمام شهوات و تمایلات انسان از طریق صرف غذا و به دست آوردن نیرو، بیدار مي شود و به حرکت درمي آید. در تربیت اسلامي، براي غذا علاوه بر منافع جسماني، آثار و پي آمدهاي تربیتي- رواني بسیاري ذکر شده است. ازاین رو، خداي متعال در قرآن کریم، انسان را به دقت و تأمل در کیفیت غذایش فرا مي خواند: «فَلینظُرِ الانسانُ الي طَعامِهِ؛ (عبس:٢٤) انسان باید به غذاي خویش بادقت بنگرد. (عطاران:۱۳۷۱، ص۸۵) تنها چیزي که بیش از همه توجه آدمي را به

خود جلب مي كند غذايي است كه براي دوام حيات خود از آن استفاده مي كند و با يک دگرگوني فيزيكي شيمياي جزو بافت وجود انسان مي شود. از اانيرو، خداوند فرمود به آن چيزي كه به عنوان خوراكي استفاده مي كنيد نيک بنگريد كه چگونه تهيه شده و از چه راهي به دست آمده است. چرا كه نوع غذا به لحاظ حليت و حرمت پيامدهاي مهمي در اعمال و رفتار انسان دارد. امام سجاد(ع) مي فرمايد: «وامّا حُقُّ بَطنِکَ، فَأن لاتَجعَلهُ وِعاءَ القَلِيلِ مِن الحَرامِ»؛ (حرانی،:۱۳۷٦،كلمات امام سجاد(ع) اما حق شكم آن است كه آن را ظرف غذاي حرام و لو اندک قرار ندهی. چون پيامبر(ص) فرمود: «من أكل لقمةَ حرامٍ لم تُقبَل له صلاةُ اربعين ليلة و لم تُستَجِب له دعوةُ اربعين صباحاً»؛ (قربانی:۱۳۷٤،ص۳۵۰) هركس لقمه حرامي بخورد تا چهل شبانه روز نه نمازش قبول مي شود و نه دعايش به اجابت مي رسد.»

انسان پس از تشكيل نخستين هسته وجودش به نام «نطفه» يا «تخم بارور»، نيازمند نوعي تغذيه و كسب نيرو و توان است كه مادر مسؤل تأمين آن و عهده دار حفاظت و مراقبت از جنين مي باشد. او بايد ضمن عمل به وظيفه، در تأمين صحت و سلامت جنين تلاش نمايد. تمام حركات و سكنات و خورد و خوراک مادر بر جسم و روح جنين اثر مي گذارند و در چگونگي شكل دهي شخصيت وي نقش اساسي دارند. نقش تغذيه مادر در جسم و روح فرزند از حين انعقاد نطفه آغاز و تا پايان شير خوارگي وي ادامه دارد. مادر، در اين مدت مسؤل تأمين نيازهاي دو انسان است: نفس خودش و كودكي كه او را با خود دارد و پرورش مي دهد. غذاي جنين از چيزي است كه مادر مي خورد و نوشيدني او از نوشيدني هاي است كه مادر مي نوشد. هرچه به تولد كودک نزديک مي شود، نياز او به غذاي مادر بيشتر مي گردد. (حجتی:۱۳۷۰،ص۱۳۹) سرعت انتقال مواد از مادر به جنين در طول دوران بارداري رو به افزايش مي گذارد تا نيازمنديهاي جنين را كه پيوسته در حال رشد سريع است، تأمين كند. مطالعه فيزيولوژي جُفت روشن كرده است كه سرعت انتقال مواد از مادر به جنين در حدود هفته هاي ۲٤و ۲۵ دوره حمل به حد اكثر مي رسد و از آن پس كاهش مي يابد. چراكه طي ماه هاي آخر آبستني نشانه هايي از كهولت در جفت پيدا مي شود به طوري كه ديگر مانند ماه هاي قبل در انتقال غذا چنان كه بايد عمل نمي كند. (گليبرت:۱۳٤۷،ص۱٤۹)

در روايات اسلامي در مورد زنان باردار نسبت به بعضي خوراكيها سفارش ويژه شده و از آثار و خواص آنها بر جنين نيز سخن به ميان آمده است. آن چه به تجربه هم ثابت شده اين است كه در مدت حاملگي استفاده مادران از ميوه ها تأثير شگرفي بر زيبايي چهره و صورت ظاهري كودک و هم چنين بر اخلاق و رفتار او دارد. پيامبر اكرم(ص) مي فرمايد: «أطعمُوا حِبالاكُم اللّبانَ فإنّ الصّبي اذا غُذِي في بطنِ اُمّهِ باللّبان اشتدَّ قَلبُه و زيد في عَقلِه، فإن كان ذكراً كان شجاعاً وإن ولدت انثي عظمت عجيزتها فتحظى بذالک عند زوجها» (كلينى:١٤١٣ق،ج٦،ص٢٦) به زنان باردار خود «لِبان»، يعني «كُندُر» بخورانيد، كه بچه در شكم مادر با آن تغذيه مي شود و در نتيجه قلبش قوي و عقلش زياد مي گردد و اگر بچه پسر باشد فردي شجاع و نيرومند خواهد شد و اگر دختر باشد الیه های بزرگ خواهد داشت که موجب رضایت شوهر می گردد. امام صادق (ع) خوردن «بِه» را عامل زيبايي بچه دانسته، بدان توصيه مي كند. امير المؤمنين (ع) «خرما» را موجب حلم و بردباري كودک مي داند،(همانجا) همان گونه كه خداوند هنگام زايمان مريم، به وي وحي كرد، درخت خشكي را كه دركنارش هست تكان دهد تا خرماي تازه بريزد و از آن استفاده كند.(مريم:٢٥) از اين دستور خداي متعال برمي آيد كه بهترين غذا براي زنان بعد از زايمان خرما است؛ چرا كه هم به خاطر داشتن ويتامين هاي مختلف براي مادر مفيد است و هم براي بچه سودمند مي باشد. چون در علم پزشكي ثابت شده كه خرما حاوي «كلسيوم، فسفر و پتاسيوم» است كه اينها در استحكام استخوان، جلوگيري از ناراحتيهاي مغز و اعصاب و بيماري زخم معده مؤثر هستند. (مكارم:١٣٧٤،ج١٣،ص٤٧) از مجموع دستورات بزرگان دين به خوبي برمي آيد كه چگونگي تغذيه مادر بر رشد كمي و كيفي فرزند تأثير مثبت يا منفي دارد و بايد غذاها و مواد مصرفي او در طول دوره بارداري و شير خوارگي كودک كاملاً برنامه ريزي شده و بر اساس نيازهاي روحي و جسمي وی تنظيم شود.

بايزد بسطامي ساليانی چند به عبادت پرداخت، ولي از عبادتش لذت و حلاوتي احساس نمي كرد. روزي نزد مادر آمد و گفت: مادر! مدتي است كه به عبادت پروردگار مشغولم، ولي شيريني عبادت را درک نمي كنم فكر كن، ببين موقعي كه در رحم تو بودم يا كودكي شير خوار بودم، چه چيزي از غذاي حرام خورده اي؟ مادر بايزيد مدتي دراز در اين باره انديشيد و سپس

گفت: فرزندم! وقتي كه تو در رحم من بودي، روزي به پشت بام رفته بودم، ظرف غذايي از همسايه آن جا بود و بي اجازه صاحبش مقداري از آن غذا خوردم. بايزيد گفت: اكنون برايم معلوم شد كه چرا طعم شيرين عبادت را نمي چشم، برو نزد صاحبش، داستان را بگو و از وي رضايت بگير. مادر نزد همسايه رفت و رضايت گرفت. پس از آن واقعه بود كه بايزيد شيرني و طعم مناجات با پروردگار را احساس كرد. (كريمی نيا:۱۳۷۷،ص۳۹)

۲.تأثير حالات روانی مادر بر جنين

فرزند تا زماني كه به دنيا نيامده در واقع جزو وجود مادر محسوب مي شود و اين مطلب به اثبات رسيده كه اضطراب ها و هيجان هاي شديد انسان در تمام بدن او اثر مي گذارند. بر اين اساس، هر چيزي كه از نظر جسمي و رواني بر مادر تأثير بگذارد، بر جنين نيز اثر گذار خواهد بود. چرا كه غذاي جنين به وسيله مادر تأمين مي شود و چگونگي تغذيه مادر هم در بروز حالات رواني و شخصيت آينده كودک اثر دارد. حالات و تكان هاي ناراحت كننده كه براي مادر اتفاق مي افتد، مسلما مضر به وضع مزاجي و رشد جنين است، زيرا چنين حالاتي نظم دستگاه عصبي را بر هم مي زند و بر اثر ترشح غير طبيعي غدد عمل صحيح دستگاه گوارشي مختل مي شود و شايد تنها علتي كه جنين پس از تولد پذيراي برخي بيماري هاي رواني مي شود، همين حالات هيجاني مادر است كه هنگام بارداري به وي دست مي دهد. از اين رو، مادر در دوران بارداري بايد نسبت به سلامت خود و نوع غذاهاي كه مصرف مي كند كاملا مراقب باشد و هم چنين از استراحت كافي برخوردار بوده و از هواي آزاد به خوبي استفاده ببرد تا زمينه يک زندگي سالم را براي فرزندش فراهم سازد. (جلالی:۱۳۵٦،ص۲۲۳)

بر اين اساس، به طور قطع مي توان گفت كه عواطف و افكار و حالات رواني مادر، در جان و روان كودک نيز مؤثرند و در آينده او نقش بسزا دارند. عصبانيت يا اضطراب و يا ترس شديد مادر، وضع عمومي مزاج و دستگاه گوارشي او را برهم مي زند و اعصابش را مختل مي سازد و اين حالت غير عادي، چنان كه بر جسم و جان مادر ضرر دارد، وضع تغذيه كودک را نيز كه در رحم او زندگي مي كند مختل مي سازد. در اين صورت، ممكن است اعصاب و مغز كودک را براي

يک عارضه رواني که بعداً به ظهور مي رسد آماده نمايد. (امینی:۱۳۷۲،ص٤٩) حالت هيجاني مادر مستقيما روي جنين اثر مي گذارد و خطراتي را براي او بار مي آورد و اين امکان وجود دارد که فرزند او از همان دوران کودکي فردی هيجاني و عصبي مزاج پديدآيد. (شعاری نژاد: ۱۳۷۲،ص۱۷۹)

چه بسا ديده مي شود مادراني که در اثر مشکلات و حوادث زندگي، چنان گرفتار غم و اندوهی شده اند که تمام فعاليت و حرکت را از او سلب مي کند و اين حالت طبعا برجنين نيز مؤثر مي باشد. بدن مادر و سوانحي که در آن رخ مي دهند در محيط رشد جنين اثر مي گذارند و جنين آدمي نسبت به بسياري از تغييرات محيط زندگي از مادر خود حساس تر است.(گليبرت:پيشين،ص١٨٤) اگر مادري، هنگام بارداري بترسد به طوري که رنگش تغيير کند و دچار لرز شود، لکّه هاي در بدن نوزاد او ايجاد مي شود که آن را «ماه گرفتگي» مي نامند. (دشتی:۱۳۸۱،ص۵۷) هم چنين، عصبانيت مادر پيش از به دنيا آمدن طفل ممکن است به نيروي حياتي جنين لطمه وارد آورد تا آن جا که او را به يک موجود عصبي تبديل کند. از اين گفتار به خوبي به دست مي آيد که تا چه اندازه لازم است مادر، در دوران بارداري از خود مواظبت نمايد؛ از انديشه هاي اندوه ناک بپرهيزد، از غم و غصه و ناراحتيهاي روحي و رواني دوري جويد و صفاي دل و آرامش خاطر را براي هميشه حفظ نمايد. (بیج:۱۳۲۸،ص۲۷)

توصيه هاي کار شناسان تربيتي و روان شناسي به مادران باردار جهت سلامت روحي و جسمي فرزند اين است که در دوره بارداري از افسردگي، عصبانيت، اضطراب و فکر و انديشه عميق درباره مسائل زندگي خود داري نموده، زياد جوش نخورد و خود را در معرض پريشانيهاي فکري و ذهني قرار ندهند. سعي کنند در اين مدت هميشه با شادابي و نشاط زندگي نمايند و به هر صورت زمينه مناسب رشد جنين را در دوره بارداري فراهم سازند تا آسيب جسمي يا رواني به فرزند نرسد.

۳.تأثير رفتار مادر بر جنين

منظور از رفتار هرنوع حرکت و فعاليتي است که در طول بارداري از مادر ظهور و بروز پيدا مي

کند. همان گونه که گفتیم، انجام هرکاري خواه ناخواه بر جسم و جان انسان تأثیر مي گذارد؛ وقتي کاري انجام مي دهد، خسته مي شود، تشنگي بر او عارض مي شود و احساس گرسنگي مي کند و اگر کاري مفید انجام داده باشد، احساس نشاط و شادابي به او دست مي-دهد؛ ولي آنچه بر زنِ حامله اثر منفي دارد، کارهاي سخت و طاقت فرسايي است که انرژي زياد مي طلبد. اگر مواظبت نکند، این گونه کارها ممکن است آسیب جدي به جنین وارد سازد. چه بسا دیده شده مادراني که در اثر بي احتیاطي و انجام کارهاي سنگین دچار سقط جنین شده یا زمینه نقص جسمي و رواني بچه را فراهم کرده اند. خستگي زیاد مادر در دوران حمل موجب زیادي مواد سمي در خون مي شود و بر کودک اثر منفي مي گذارد. (قائمی،۱۳۷۱،ص٦٤)

به گفته روان شناسان، بیماریهاي عفوني مادر در ماه هاي بارداري، ناهنجاري هایي را در رشد و نمو جنین به وجود مي آورد و هم چنین اختلالهاي هورمونهاي غده تروئید رشد عمومي وي را به تأخیر مي اندازد.(شعاری نژاد:پیشین،ص۱۷۸) اگر به بدن مادر آسیبي برسد، به جنین نیز زیان مي رساند. اندک فشاري به شکم مادر، ممکن است به سقط جنین یا به خون یزي مغزي منتهي گردد. دانش پزشکي چنین نشان مي دهد که استفاده از اشعهx و رادیوم (radium) در درمان زنان حامله خطرهاي جدي براي جنین دارد. این خطر ممکن است به صورت نقص عضو، سقط جنین و مرده به دنیا آمدن ظاهر شوند.(همانجا)

هر زني وظیفه دارد که بهترین محیط ممکن را براي نخستین خانه فرزندش، یعني رحم فراهم سازد و هنگامي مي تواند بدان توفیق یابد که بداند چه حوادثي از زندگیش در رشد جنین مؤثر خواهند بود. آگاهي از چگونگي رشد آدمي در عالم رحم، مي تواند مادر را در شناخت مسؤلیت تأمین مناسب ترین شرائط زندگي براي فرزندش طي نُه ماه زندگي جنیني مدد و راهنمایي کند. مادران زماني مي توانند از زیانهاي دوره جنیني پیش گیري نمایندکه از تأثیر وراثت و محیط در جنین اطلاع کافي داشته باشند و آن دانسته هاي خود را براي تأمین نیازها و بهبود زندگي پیش از تولد فرزند به کار گیرند. (گلیبرت:پیشین،ص۱۸۵) ازاین رو، به مادران باردار توصیه مي شود که همه پروتئینها و هیدراتهاي کربن و چربیها وکانیهاي لازم براي تأمین افزایش مقدار سلولهاي زنده بچه اش را فراهم سازد. همچنین مطالعات نشان مي دهد که مادر، باید مقدار ویتامینهاي

مخصوص براي فعاليت درست سلولهاي زنده را نيز تأمين نمايد.(همان،ص۱۸۲) مادر بايد در روز، دو يا سه ساعت در هواي آزاد قدم بزند (نه در حدي كه خسته شود) و پس از قدم زدن استراحت كند. هواي اطاقي كه زن باردار در آن مي خوابد بايد روزي چندبار تهويه شود تا زن حامله هميشه از هواي آزاد و تازه استفاده كند. زيرا اگر اكسيژن كافي به كودک نرسد دچار رنگ پريدگي و بيماريهاي ريوي و خفگي خواهد شد. (دشتی:پیشین،ص۸۳) زنِ باردار بايد ورزش ملائم و طبيعي و استراحت كافي داشته باشد و از غذاي مناسب كه قسمت اعظم آن را شير و سبزي جات تشكيل بدهد برخوردار باشد. (جلالی:پیشین،ص۲۲۳)

يكي از علماي بزرگ در مسجد جامع اصفهان امام جماعت بود، شبي پسرش را با خود به مسجد آورده بود. پسر از ورود به مسجد خود داري كرد و در حياط مسجد نشست. پس از رفتن پدر به مشک آبي كه در حياط مسجد بود سوزني فرو برد و با آن آبي كه از آن مي ريخت، بازي مي كرد! پس از پايان نماز، پدر از اين موضوع با خبر شد و بسيار نا راحت گرديد، به خانه رفت و به همسرش گفت: من در تغذيه و رعايت آداب و رسوم اسلامي، پيش و پس از انعقاد نطفه و در دوران كودكي فرزندمان سعي تمام كرده ام، ولي عمل امروز اين كودک نشانگر تقصير يكي از ماست. مادر گفت: ياد دارم كه در هنگام بارداري به منزل همسايه رفته بودم كه درخت انار آنها توجه مرا به خود جلب كرد. به يكي از انارها سوزني فروبردم و مقداري از آب انار چشيدم. (کریمی:۱٦۱)

آنچه در این قسمت گفته شد، به این نتیجه رهنمون می سازد که خوراکیها و آشامیدنیهای مادر بر جسم و روح فرزند تأثیر عمیق دارد. خوراکی مادر علاوه بر اینکه بر صحت و سلامت وی تأثیر گذار است، بر سلامت جسمی و روانی بچه اش نیز نقش بسزا دارد. چنان که در روایات و احادیث اسلامی فروان بدان تأکید شده و از مادران خواسته شده که در مدت بارداری مواظب خوراک، رفت و آمد و حرکات و سکنات خود باشند. بر این اساس، به مادران، به ویژه زنانی که برای نخستین بار صاحب فرزند می شوند، توصیه می گردد که در زمینه خوراکیها و فعالیتهای خویش برنامه ریزی داشته باشند و از موادی که برای فرزندش مفید است استفاده کنند و تا آن جا که ممکن است از بروز نارسای جسمی و روحی فرزند جلوگیری نمایند. زیرا پیش گیری به

مراتب آسان تر و مفیدتر از درمان است.

ب) نقش تربیتی مادر بعد از تولد فرزند

اصل وظيفه مادري و نقش تربيتي مادر، پس از تولد فرزند آغاز مي شود و از اين زمان است که پرورش جسمي و رواني کودک رسماً به عهده مادر قرار مي گيرد. چون در ميان اعضاي خانواده، مادر نخستين کسي است که رابطه مستقيم با فرزند دارد و در همه صحنه هاي زندگي با او به سر مي برد. اين رابطه در حقيقت يک رابطه زيست شناختي است که به تدريج به روابط روان شناختي و جامعه شناختي تبديل مي شود. مادر اولين فردي است که نيازهاي زيستي و فيزيولوژيکي کودک را تأمين مي کند و براي سلامت و تکامل جسمي و معنوي او مي کوشد.(شعاری نژاد، ص۱۵۱) إعمال نفوذ مادر که در زمان بارداري غير محسوس است و چندان مورد توجه قرار نمي گيرد، اينک به مرحله تازه اي رسيده و مادر نقش خود را در تربيت فرزند کاملاً حس مي کند و نتايج آن را مي بيند. همان نقشهاي مادر در دوران حاملگي، بعد از ولادت فرزند آشکار مي گردد و بايد ادامه پيدا کند. افزون بر آن، زمينه ايفاي نقشهاي جديد نيز براي مادر به وجود مي آيد که او مي تواند با آگاهي کامل از وظايف خود به اجراي آن نقشها بپردازد. در اين جا لازم است، به بيان اين نقشها پرداخته و برخي از آنها را بررسي کنيم تا بدين وسيله زمينه تربيت هرچه بهتر فرزند براي مادران فراهم گردد. البته توجه به يک نکته لازم به نظر مي رسد و آن اينکه ممکن است پدر هم در اجراي اين نقشها شريک مادر باشد، ولي هدف ما در تحقيق برجسته سازي تأثير و نفوذ مادر در تربيت فرزند است که عمدتاً به تبيين آن می پردازيم.

۱.مادر و ایجاد فضای مساعد تربیتی

هرچند مطالبي که تاکنون گفته شد، به يک اعتبار همه به منظور زمينه سازي براي اجراي فرايند تربيت بود و رعايت نکات يادشده به نحوي در تحقق بهتر آن فرايند، کمک مي رساند. اما پس از تولد، مهم ترين نقشي که به نظر مي رسد قبل از همه براي مادر لازم است، زمينه سازي تربيت ديني است که او مي تواند با ايجاد فضاي مناسب ديني و معنوي در محيط خانواده اين کار را انجام دهد. يعني مادر به عنوان کسي که بيش از ديگران در محيط منزل حضور دارد، بايد آن

محيط را به فضاي معنوي تبديل كند. تأثير جو و فضاي زندگي بر خُلق و خُوي و نحوه رفتار انسان، به ويژه كودک و نوجوان بسيار مهم و سرنوشت ساز است. اگر خانواده اي در فضاي معنويت توأم با دعا و مناجات زندگي كند، طبيعي است كه فرزندان پرورش يافته در آن فضا با ذكر و دعا آشنا مي شوند و به تدريج آن خلق و خو را فرامي گيرند. عكس اين مطلب نيز صادق است؛ چون بچه هايي كه در محيطهاي آلوده بزرگ مي شوند كمتر با قرآن و احكام ديني سروكار دارند.

اين مطلب را مي توان از نامه معروف امام علي (ع) به فرزند بزرگوارشان امام مجتبي(ع) به دست آورد كه امام قبل از ارائه دستور العملهاي تربيتي به ايجاد فضاي مساعد تربيتي مي پردازند.آن حضرت به مثابه يك مربي دل سوز قبل از ورود در بحث، اوصافي را براي خود و متربي بيان مي دارند كه فضاي موجود را به فضاي مناسب تربيتي تبديل نموده و مخاطب را هرچه بيشتر براي پذيرش دستورات تربيتي آماده مي سازند. بيان هفت صفت براي مربي و چهارده ويژگي براي متربي در كلام ايشان جز ايجاد پيوند عميق و صميمي ميان اين دو ركن اساسي تربيت، معناي ديگري نمي تواند داشته باشد. همچنين خطاب «يا بُني» (عزيزم) چندين بار در گفتار امام تكرار شده كه مي خواهد ارتباط عاطفي با متربي برقرار كند.(نهج البلاغه:نامه۳۱) از اين كلام امام به خوبي برمي آيد كه فضاسازي به عنوان يک اصل تربيتي مفيد و مؤثر هميشه بايد در محيط خانواده ها رعايت گردد و بدان عمل شود.

فاطمه زهرا(س) به عنوان اسوه حسنه براي همه زنان عالم، مناسب ترين فضا را براي تربيت ديني فرزندان فراهم می ساخت. خانه اي كه فاطمه(س) در آن زندگي مي كرد، پُر از قداست و معنويت و نورانيت بود؛ خانه اي كه بر احترام، سپاس گذاري، بزرگ منشي و بزرگواري استوار بود. هركس حق فاطمه، پدر، شوهر و فرزندان او را مي شناسند، حق اين خانه را هم به خوبي درک می کند. ابن عباس مي گويد در مسجد پيامبر نشسته بودم كه قاري آيه «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أن تُرفَعَ وَيُذكَرَ فيها اِسمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ بِالغُدُوِّ وَ الآصالِ» (نور:۳٦) قرائت كرد. پرسيدم يا رسول الله (ص)! منظور كدام خانه ها است؟ فرمود: خانه-هاي انبيا و با دست اشاره به خانه فاطمه(س) كرد. يعني خانه علي و فاطمه(ع) از اين نوع خانه ها، بلكه بهترين آنها است.

(قزوینی:۱٤۱۵ق،ص۱٤۸) در چنين خانه اي است كه فرزنداني همانند حسن و حسين و زينب و ام كلثوم(ع) پرورش مي-يابند و جهاني پُر از ظلم و طغيان و فساد را اصلاح و تا آنجا كه ممكن است مردم را به حق و عدالت آشنا مي سازند.

به هر صورت، زمينه سازي تربيت ديني در محيط منزل وظيفه مادر است كه مي تواند در اين مورد نقش آفرینی كند و به گونه اي فضا را سامان دهي كند كه موانع تربيت سازنده را به كلي از بين ببرد. با تأسي به رفتار حضرت زهرا(س) و الگو پذيري از سيره آن بزرگوار به تربيت فرزند بپردازد. اگر مادر توانست نظر شوهر (در صورت مخالفت) را جلب كند و در محدوده زندگي خانوادگي از ديدن فيلمها وگوش دادن به نوارهاي ضد ارزشي دوري كنند، بچه هاي خوبي تحويل جامعه خواهند داد؛ وگرنه چنان ضرري به حيثيت فردي و اجتماعي خود و نسل آينده خويش خواهند زد كه ديگر به آساني قابل جبران نخواهد بود.

۲.مادر و چگونگی شیر دادن به فرزند

شير مادر، بهترين غذاي كودک است و هيچ چيزي نمي تواند جاي آن را بگيرد؛ چون كودک ماهها در رحم مادر بوده و شريک خون و غذا و همساز حالات زيستي و رواني او محسوب مي شده است. وقتي نوزاد از مادر جدا شد،آن ارتباط عميق زيستي و رواني مادر را به همراه دارد و بعد از ولادت نيز خواهان استمرار اين پيوند ديرينه مادري است. از اين روست كه شير مادر از تمام جهات با دستگاه گوارش كودک سازگار است و بايد از آن نعمت خدادادي بهره مند گردد. بدين جهت، تركيبات شير مادر به گونه اي پديد مي آيد كه نوزاد به آساني مي تواند آن را هضم كند و رشد مناسب جسمي و عقلي را برايش به وجود آورد. چون نوزاد در واقع از همان غذايي استفاده مي كند كه در رحم مادر از آن تغذيه مي-كرد، طبيعي است كه چنين خوراكي با رشد و نمو او سازگار است. البته شير مادر در روند توليد و قابل استفاده بودن براي كودک، مراحلي را طي مي كند تا به آن شكلي درمي آيد كه متناسب با وضعيت او مي گردد. (حجتی:ج۱،ص۱۵٦)

با نظر به آن چه گفته شد، شير مادر مفيدترين خوراک براي كودک است و مادر نبايد بدون عذري موجه نوزاد را از اين نعمت عظيم خدايي محروم كند. در متون ديني دستورات زيادي در

مورد تغذیه از شیر مادر وارد شده که هم کمیت و هم کیفیت آن را بیان مي کند. در قرآن کریم، (بقره:۲۳۳) طول دوران تغذیه کودک از شیر مادر دوسال تعیین شده است که مادر موظف است، فرزندش را دوسال کامل شیر دهد، وگرنه کودک متضرر مي شود. در روایتي که از امام صادق(ع) نقل شده حداقل دوره رضاع را چزي کمتر از دوسال بیان نموده است، امام فرمود: «الرِّضاعُ واحد و عشرون شهراً فمانَقَصَ فهو جورٌ علي الصّبي» (حرعاملی:ج۱۵،ص۱۷۸) دوره شیردهي بیست و یک ماه است و کمتر از آن ظلم بر کودک مي-باشد. این تفاوت به خاطر این است که قرآن حداکثر و روایت حداقل مدت شیر دادن مادر را تعیین نموده اند و مادر مي-تواند به هریک از این دو، عمل کند و کمتر و بیشتر از آن نباید باشد. بعضي از علما گفته اند که شیردهی به کودک به مدت دوسال واجب است، به ویژه نخستین شیري که در پستان مادر ظاهر مي شود، تغذیه اش به فرزند اهمیت و ضرورتي بیشتر دارد؛ چون اگر شیر اول به نوزاد تغذیه نشود، کودک از نظر جسمي ضعیف و ناتوان مي ماند؛ رشد و نمو مناسبي ندارد. (مجلسی:۱۳٤۱،ص۱۲۹) در مورد چگونگي شیر دهي مادر، حدیثي از امام صادق (ع)آمده است که آن حضرت به یکي از مادران (مادر اسحاق) که فرزندش را شیر مي داد، فرمود: «اي مادر اسحاق! از یک پستان به فرزندت شیر مده، بلکه از دو پستان به او شیر بده، چون یکي از آن دو به عوض طعام و دیگري به عوض آب است.» (همان جا)

هر چند تأثیر شیر مادر، بر فرزند روشن است و چندان نیازي به بحث ندارد، ولي براي آگاهي بیش تر مادران لازم است، نقش آن را ضمن داستاني بیان کنیم. یکي از بزرگان مي گوید: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوري» در زندان به ملاقات شان رفتم. پس از احوال پرسي، به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلي لاابالي است و بر ضد شما کار مي کند. شیخ شهید فرمود: این موضوع را از پیش مي دانستم و افزود: این پسر در نجف به دنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که براي شیر دادن او، زني را در نظر بگریم. پس از مدتي زیادي که این کودک از شیر آن زن تغذیه کرد، ناگهان متوجه شدیم که آن زن بسیار لاابالي و بي عفت است و کینه علي(ع) را به دل دارد. از همان وقت در یافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاري است بسیار مشکل! (کریمی نیا:ص٤١) چنان چه در روایات نیز از شیر دادن زن ناصبیه به فرزند

شیعه نهي شده است. (وسائل،ج۱۵،ص۱۵۷) امام علي(ع) در اهميت شير دادن مي فرمايد: «الرِّضاع يُغَيِّرُ الطِّباعَ» (بحار:۱۰۳،ص۳۲۳) شير، سرشت آدمي را دگرگون مي سازد.

۲,۱. شیر دادن همراه با طهارت

شيخ مرتضي انصاري، يكي از فقها و دانشمندان بزرگ شيعه است كه خدمات بسياري به اسلام و مكتب اهل بيت (ع) انجام داده و آثار ارزشمندي از خود به يادگار گذارده است. وقتي پس از سالها تحصيل و كوشش به مقام اجتهاد و زعامت مسلمانان نائل شد، مردم به مادر شيخ تبريک گفتند كه فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعيت عامه رسيده است. مادر شيخ گفت: زحمتي كه من در تربيت فرزندم كشيدم اگر به مقام نبوت هم مي رسيد تعجب نمي كردم، چه رسد به مقام اجتهاد. مردم از شنيدن اين سخن، با شگفتي پرسيدند: مگر در تربيت فرزندت چه كرده اي كه ديگران نكرده اند؟ مادر شيخ پاسخ داد: بيان زحمات من در تربيت او از حوصله شما بيرون است، اما براي نمونه مي گويم كه هيچ گاه پستان به دهانش نگذاشتم مگر اينكه با طهارت بودم و وضو داشتم. (گلشن ابرار،ج۱،ص۳۳۲)

معروف است هنگامي كه مادر شيخ از دنيا رفت، آن فرزند لايق بر بالين مادر زانو زد و زار زار مي گريست. يكي از شاگردان از روي دلجويي به ايشان گفت: جناب استاد! شما با اين مقام علمي شايسته نيست بربالين پيرزني اين گونه اشک بريزيد! شيخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والاي مادر آگاه نيستيد، تربيت صحيح و زحمات فراوان اين مادر بود كه مرا به اين جا رسانيد. (كريمی نيا، ص۳٦)

از اين داستان واقعی مي توان اهميت طهارت و نقش آن را در تربيت ديني فرزند از زبان يک مادري نمونه شنيد كه خود بدان عمل نموده و شخصيت بزرگ علمي و مذهبي همانند شيخ انصاري را تحويل جامعه داده است كه وجود چنين شخصيتي افتخاري است براي اسلام و مذهب تشيع. شيخ اعظم خود نيز به اين موضوع آگاه است و تلاش مادر را تأئيد نموده، مقام والاي علمي خود را محصول زحمات او مي داند. مادران بايد از چنين مادري كه زندگي خود را وقف فرزند نموده و از هيچ گونه كوششي براي تربيت وي دريغ نداشته است، الگو بگيرند و به او

تأسي نمايند. چنان كه امام باقر (ع) ضمن دستوري به خانواده ها مي فرمايد: «عليكُم بالوَضّاءِ من الظّئورة فَإنَّ اللَّبَنَ يَعدِي»(وسائل،ج۱۵،ص۱۸۹) بر شما لازم است دايه پاكيزه و نظيف براي شير خوارگي كودكان خود برگزينيد، زيرا شير در فرزند تأثير مي گذارد. هرچند در روايت به انتخاب دايه پاكيزه سفارش شده كه بيشتر ناظر به نظافت ظاهري است، ولي كلام امام مطلق است نظافت باطني را هم مي گيرد، يعني زن شيرده، اعم از مادر و دايه بايد از طهارت كامل، به ويژه طهارت باطني برخوردار باشد، مخصوصاً زماني كه به بچه شير مي دهد.

۲,۲.شیر دادن همراه با نام خدا

بردن نام خدا در ابتداي هركاري لازم است و بايد با ياد و نام خدا شروع به كار كرد. به فرموده قرآن كريم حضرت نوح كسی بود كه هنگام سوار شدن بر كشتی قبل از هرچيز نام خدا را به زبان برد و با ياد او سوار كشتی شد. زماني كه مي-خواست با خانواده اش سوار كشتي شوند گفت: «اِركَبُوا فِيها بِسمِ اللهِ مُجراها و مُرساها» (هود:٤١) گفت به نام خدا سوار كشتي شويد كه رفتن و ايستادنش به نام اوست. هدف از بردن نام خدا اين است كه به وسيله بردن نام مبارک پروردگار خير و بركت را جلب كند. چون وقتي انسان فعلي از افعال يا امري از امور را به نام خدا معلق كرد و آن را به نام مبارک او مرتبط ساخت، همين عمل باعث مي شود كه آن كار يا آن امر از بديها محفوظ مانده و به خوبيها و خير و بركت قرين شود. زيرا خداوند كمال مطلق است و جامع همه خوبيها و زيباييها مي باشد؛ اگر كاري در آغاز با نام او شروع شود و بدين وسيله مرتبط با او گردد، آن كار يقيناً داراي كمال و خوبي و خير و بركت خواهد بود. ازاين رو، نوح هنگام سوار شدن، حركت و سكون كشتي را به نام خدا مرتبط كرد و نجات آن را به بركت نام او خواستار شد و رهايي از طوفان عظيم جهاني را فقط با عنايت حق تعالي امكان پذير مي دانست.(الميزان،ج۱۰،ص۳٤۲) چنان چه نوح و قومش به همين توسل و توكل به خداي متعال از آن حادثه بزرگ نجات يافت و به ساحل نجات رسيد.

فلسفه حكايت داستان نوح در قرآن كريم، اين است كه مسلمانان به سيره و رفتار آن حضرت توجه كنند و از او بياموزند كه كار را چگونه بايد شروع كرد و چگونه خير و بركت را از خدا

خواست؟ تنها راه از منظر قرآن این است که در ابتداي کار نام خدا را بر زبان برانند و خیر و سلامت را از خداي متعال بخواهند. یکي از کارهاي مهمي که آینده فرد وابسته به آن است، شیر دادن مادر به فرزند است. چرا که زندگي فرزند با همان مکیدن از پستان مادر شروع مي شود. بنا براین، بر مادر لازم است که هنگام شیر دادن به فرزند نام خدا را به زبان آورد و هربار با یاد نام او به نوزاد شیر بدهد. غفلت از این امر درست نیست و ممکن است به لحاظ معنوي، چنان ضربه اي به ساختار روحي و رواني فرزند وارد سازد که تا ابد قابل جبران نباشد.

ابوالمعالي یکي از علما و دانشمندان بزرگ اسلامي است که سالیاني دراز در مکه و مدینه اقامت گزیده و صاحب تألیفات و آثار ارزشمند فراوان است. پدر وي شیخ ابو محمد عبدالله، هم از فضلا و پرهیزگاران زمان خود بود و از راه نویسندگي و نسخه برداري کتب زندگي خود را اداره مي کرد. او بازني پاکدامن ازدواج کرد و ثمره این ازدواج، پسري بود به نام ابوالمعالي. هنگامي که این کودک دیده به جهان گشود پدرش سفارش بسیار کرد که مبادا از شیر زنهاي دیگر به او بدهند و نسبت به غذاي او بسیار دقیق و حساس بود. اما روزي، مادر بچه بیمار شد. کودک که شیر کافي نخورده بود مرتب گریه مي کرد. یکي از زنان همسایه آنجا بود، براي آرام کردن او پستان خود را به دهانش گذاشت. نوزاد مقداري از شیر آن زن خورد و آرام گرفت. در همان لحظه شیخ عبدالله وارد خانه شد و چون از این پیش آمد آگاه شد، بسیار متأثر گردید. کودک را گرفت، سرِ او را پائین نگه داشت و با انگشت دهانش را بازمي کرد تا آن چه شیر در دهانش بود، بیرون ریخت. شیخ، در آن موقع مي گفت: براي من بسي سخت و ناگوار است که ببینم سرشت فرزندم به شیري مجهول و ناپاک آلوده شده باشد! آن نوزاد همان «امام الحرمین ابوالمعالي» است که چون این اندازه در تربیت و پرورش او مواظبت نمودند، شخصیتي برجسته و فاضل و از دانشمندان پر آوازه گردید. ابوالمالي مي گفت: گاهي در هنگام بحث و مناظره یک نوع سستي و کُند ذهني در من ایجاد مي شود و این، اثر همان اندک شیري است که در بدن من باقي مانده است.(کریمی نیا،ص٤٠) روشن است که آن زن همسایه موقع شیر دادن رعایت آداب اسلامي را نکرده و بدون بردن نام خدا پستان به دهان کودک گذاشته و نتیجه اش کُند ذهني ابو المعالي بوده است.

۲،۳.شیر دادن دختر و پسر

هرچند شير دادن دختر و پسر به لحاظ ظاهري تفاوتي باهم ندارد و هردو بايد از پستان مادر شير بنوشند، ولي از نظر عاطفي و رواني امتيازاتي نسبت به هم دارند كه اين نكته مي بايست مورد توجه مادر قرار گيرد. آنچه از كلام معصومان(ع) به دست مي آيد اين است كه دختر نسبت به پسر از عواطف بيشتري برخوردار است و ازاين رو، داراي احساسات و رقت قلبي افزون تر مي باشد. امام صادق(ع) مي فرمايد: «اذا اصاب الرجلُ ابنةً بعث اللهُ اليها مَلَكاً فَأمَرَّ جَناحَهُ علي رأسِها و صدرِها و قال ضَعِيفَةٌ خُلِقَت من ضَعفٍ المُنفِقُ عَلَيها مُعانٌ» (وسائل،ج١٤،ص١٠٤) هنگامي كه دختري به دنيا آيد، خداوند فرشته اي را مأمور گرداند كه بالش را بر سر و سينه او بگستراند و بگويد: او دختري ناتوان است و در مرحله ضعف به دنيا آمده است. كمكار و انفاق كننده به او مورد توجه خداوند است تا روز قيامت.

براساس اين روايت، ساختار وجودي دختر ضعيف تر از پسر است و بدين جهت شايسته ترحم و نوازش بيشتر مي باشد. مادر بايد نيازهاي روحي و عاطفي دختر را برآورده سازد و نقش خود را در اين مورد ايفا نمايد. در شير دادن نيز بايستي به اين ويژگي دختر توجه داشته و او را بيشتر مورد تفقد و ترحم و دل سوزي قرار دهد. همان طور كه خدا و رسول خدا(ص) هم نسبت به دختران مهر بان تر هستند و به رفتار مهر بانه تر با آنها توصيه مي كنند. رسول خدا(ص) فرمود: «إنّ اللهَ تبارک و تعالي علي الإناثِ اَرأفُ منهُ علي الذّكور»(ريشهری:١٣٤١،ص٥٥١) خداي تعالي بر دختران مهربان تر از پسران است. همچنين آن حضرت فرمود: «نِعمَ الوَلَدُ البَناتُ ملَطَّفاتٌ مجَهَّزاتٌ مُؤنِساتٌ مبارَكاتٌ مفلِّياتٌ» (كافی،ج٦،٨) دختران فرزندان خوبي هستند، داراي لطافت وگرمي، جاذبه هاي روحي و رواني، آماده خدمت و اُنس با پدر و مادر، مايه بركت و رحمت و پاكيزگي.» بنابراين، آنها را دوست بداريد و بامهر و محبت باايشان رفتار نمائيد.

چيزي كه از روايات نبوي استفاده مي شود تفاوت عاطفي- رواني دختر و پسر است و نتيجه مي دهد كه دختران از احساسات و عواطف سرشاري برخوردارند و داراي رقت قلب فوق العادّه اي هستند، به گونه اي كه با اندک چيزي ناراحت و با كم ترين كاري خوشحال مي شوند. ازاين رو، براطرافيان دختر لازم است كه با رفتارهاي نيک و برخوردهاي محبت آميز خويش قلب او را

شاد و خاطر وي را مسرور سازند. به ويژه مادر بانظر به هماهنگي ساختار عاطفي- رواني اش با دختر بايد در اين زمينه بيشتر سرمايه گذاري كند و از مهر مادريش به خوبي وي را بهره مند سازد. حتي در ارضاع و شيردهي نيز به بعد عاطفي دختر اهميت داده، روح او را با نوازشهاي مادرانه آماده پذيرش دستورات الهي نمايد. در اين صورت است كه دختر از شخصيت متعادل وآرامي برخوردار گشته و با عزت و وقار پرورش يافته و از اعتماد به نفس برخوردار مي گردد.

مادراني كه كاملاً به آداب اسلامي شير دادن فرزند عمل نموده اند و فرزندان شايسته اي را پرورش داده به جامعه تحويل دادند، فراوانند و در اين جا به خاطر محدود بودن فرصت به يک نمونه از آنها اشاره مي كنيم. مادر ابراهيم خليل (ع) از جمله مادراني است كه با تمام تلاش در حفظ و تربيت فرزندش، بدور از شهر و خانه كوشيد تا هم جان او را از گزند دشمن نگه دارد و هم وي را به خوبي پرورش دهد. نطفه ابراهيم، در زمان حكومت استبدادي نمرود در رحم مادر منعقد شد و به صورت غير طبيعي دوران جنيني را سپري كرد و زماني كه به دنيا آمد، مادرش براي مصون ماندن ابراهيم، او را بيرون از شهر در غاري پنهان ساخت. مادر، هر روز مخفيانه به ديدن فرزند مي رفت و او را در آغوش كشيده با ياد و نام خدا به او شير مي داد. ابراهيم رشد غير طبيعي داشت، يک روز به اندازه يک ماه و يک ماه به ميزان يک سال كودكان عادي بزرگ مي شد تا اينكه كم كم به راه افتاد. روزي دامن مادر را گرفت و گفت مرا همراه ببر، ولي مادر هر روز به بهانه اي او را از خود جدا مي كرد و به خانه نمي آورد. وقتي ابراهيم به رشد فكري و عقلي رسيد و از اوضاع و احوال سياسي- اجتماعي اطلاع يافت، فهميد كه مادرش در پنهان داشتنش حق داشته و خود نيز سعي مي كرد تا از چشم ديگران مخفي بماند. اين زحمات مادر ابراهيم، زمينه انقلاب ديني و الهي او را فراهم ساخت. وقتي ابراهيم از غار بيرون آمد و وارد شهر گرديد، بلافاصله به هدايت مردم پرداخت و يكي از انبياي بزرگ خدا شد كه نامش در طول تاريخ ماندگار و تا قيامت باقي خواهد بود. (الميزان، ج۷،ص۲۸۷)

۳.مادر تكيه گاه رواني- عاطفي فرزند

رابطه عاطفي مادر و كودک به اندازه اي به هم وابسته است كه زندگي آن دو بدون ديگري

زيانهاي غير قابل جبران براي هريک به دنبال دارد. از سويي، فرزند ميوه دل و کمال وجودي مادر و منشأ اميد و نشاط زندگي او به حساب مي آيد. تبسم و لبخند کودک چنان بر وجود مادر اثر مي گذارد که گويي تمام عشق و علاقه اش را در وجود او مي بيند و با شيره جان به تغذيه وي پرداخته، جسم و روح او را پرورش مي دهد. از سوي ديگر، مادر مايه تحول و رشد و بالندگي کودک است. اگر مادر نباشد، کودکِ بي مادر مانند جوجه اي شکسته پر، بي روح و بي رمق و پژمرده حال است. چنين کودکي، آن طراوت و جذابيت را که لازمه يک کودک شير خوار است، ندارد. وجود مادر براي کودک مايه دل گرمي و پشتوانه عظيمي براي او است که خود را کاملاً متکي به وي مي بيند. چون مادر مظهر مهر و محبت و عامل نشاط و تعادل روحي و رواني کودک مي باشد و با هيچ چيز قابل مقايسه نيست. هيچ محبتي چون محبت مادر بادوام نيست و هيچ خشمي هم چون خشم مادر زود گذر و آميخته به مهر نيست.(قائمی،ص۹۰) اگر مادر قهر کند، قهر او همراه با مهرباني و عطوفت و نوازش است. ازاين رو است که هيچ گاه فرزند از مادر، دل سرد و گريزان نمي شود، بلکه هرجا باشد مادر را مطمئن ترين پناه گاه خود احساس مي کند و به سوي او روان است.

رفتارِ توأم با عواطف و احساسات فاطمه زهرا(س) با فرزندانش حسن(ع) و حسين(ع) نمونه کامل از اظهار محبت و عقش پاک به کودک است. هرگاه فاطمه(س) مي خواست با کودکانش بازي کند، آنها را سر دست بلند مي کرد و در هوا مي چرخانيد و اشعاري را زمزمه مي نمود که بيانگر مهر و علاقه مادري است. او خطاب به فرزندش حسن(ع) مي فرمود:

أشبِه اباکَ يا حَسَن وَاخلَع عَنِ الحَقِّ الرَّسَن

وَاعبُد إلهاً ذَا مِنَن و لا تُوالِ ذَا الاحَن

حسن جان مانند پدرت باش، حق را صريح بيان کن و خداي منان را عبادت کن و با کينه توز، دوستي مکن.

همچنين فاطمه(س) با فرزندش حسين(ع) نيز مي فرمود:

أنت شبيهٌ بابي لستَ شبيهاً بعلي

تو شبيه پدرم هستي، نه شبيه علي(ع). (بحار،ج۴۳،ص۲۸۵)

۴.مادر و پرورش حس مذهبی فرزند

کودک، داراي احساسات پاک و بدون آلايشي است که از حين تولد به همراه دارد و به تدريج رشد مي کند و خود را نشان مي دهد. حس و هيجان در کودک علائم و نشانه هاي خاص خود را دارد که به ندرت مي توان آن را در بزرگسالان يافت. احساس و هيجان کودک سريع و زود گذر است، ولي به تدريج در اثر رشد و تکامل فهم کودک و افزايش کنترل رفتار، عمق و دوام هيجانها نيز زياد مي شود. (روان شناسی رشد،ص٤٤٠) احساس کودک به موازات افزايش سن وي به سوي تمرکز و ثبات پيش مي رود و از وابستگي به استقلال و خود اتکايي روي مي آورد. در حدود پنج سالگي زندگي هيجاني او ثبات و استقرار مي يابد و با عالم خارج ارتباط پيدا مي کند.(همان، ص٤٤٣) ادراک حسي کودک تحت تأثير عوامل محيطي و فرهنگي قرار مي گيرد و ازاين رو، نقش اطرافيان و تعليم و تربيت در چگونگي شکل دهي و هدايت آن قابل دقت و توجه است. اگر احساس کودک به سمت و سوي حق و حقيقت جهت دهي شود، تأثير مطلوبي در ايمان مذهبي وي خواهد داشت و او در زندگي فردي و اجتماعي خود مسير درستي را انتخاب خواهد کرد.

اسلام به تمام ابعاد وجود انسان توجه دارد و از همه جنبه ها مي خواهد او را بسازد و پرورش دهد تا به سعادت واقعي خود نائل گردد. پرورش عقل و انديشه، تقويت اراده و شکوفاسازي استعدادهاي دروني انسان مورد عنايت اسلام بوده و هست. به ويژه پرورش حس حقيقت جويي و علم طلبي، رشد عواطف اخلاقي و از همه مهم تر پرورش حس پرستش و تعبد مورد توجه عميق اسلام است و در اين زمينه دستورات و راه کارهاي بسياري ارائه داده است. (مطهری: ۱۳۹۰،ج۲،ص۲۸۵) يکي از پايدارترين تجليات روح آدمي که اصيل ترين بعد وجودي انسان است، حسّ نيايش و پرستش است. اين حس از ابتدا با انسان هست و به فرموده رسول خدا(ص): «کلُّ مولُودٍ يولَدُ علي الفِطرَة» هر نوزادي با فطرت الهي و حس خدا جويي و گرايش به پرستش به دنيا مي آيد؛ «وابواه يهَوِّدانَهُ و ينَصِّرانَهُ و يمَجِّسانَهُ» (بيهقی:١٤٢٤ق،ج٦،ص٢٠٢) اما پدر و مادرش او را به کيش يهوديت و نصرانيت يا مجوسيت مي کشانند. همان گونه که از اين کلام پيامبر اکرم(ص) استفاده مي شود، مادر نقش بسزايي در

تربيت اولاد و پرورش حس مذهبي آنان دارد و او مي تواند با استفاده از مهر و محبت مادري، فرزندش را در مسير صحيح ديني هدايت كند و فطرت ديني و حس خدا جويي را در او تقويت نموده وي را به سوي عبادت و پرستش خداي تعالي سوق دهد. توجه به عمل كرد و رفتار تربيتي مادران اسوه و نتايج تلاشهاي پرورشي آنان تعيين كننده خط و مشي و تشويق زنان مسلمان به اهتمام ورزيدن در امر تربيت ديني فرزندان است.

هاجر، همسر ابراهيم خليل(ع)، زني است پارسا و مؤمنه و خود ساخته كه خداوند فرزندي به نام اسماعيل به او داد و تربيت او را به تمام معنا به عهده وي نهاد. خداي متعال آن مادر و فرزند را در بيابان «لَم يَزرَع» و بيابان خشک مکه رها ساخت. تنها هاجر بود و کودک خردسالش که از شدت تشنگي و گرسنگي به خود مي پيچيد و گريه و ناله سرمي داد. نه مادر، شير داشت که به او بدهد و نه آبي ميسر بود تا وي را سير آب سازد. هاجر براي جست و جوي آب به هرطرف مي رفت، گاه بالاي كوه مروه و گاه بالاي كوه صفا، ولي هيچ آبي نمي ديد. مي آمد اسماعيل را در آغوش مي گرفت و قلب و روح كودک را از مهر و محبت مادري آرام مي كرد و به او دلداري و اطمينان مي داد. هاجر به خاطر حفظ جان فرزندش، رنجها و سختيهاي فراوان متحمل شد و براي نجات او از هيچ تلاشي فروگذار نكرد. وقتي از همه جا نا اميد شد، روي شن داغ نشست؛ دو ركعت نماز خواند، دست به دعا برداشت و از خدا مدد و كمک طلبيد. هنوز دعاي هاجر به اتمام نرسيده بود كه آب زلالي از زير پاي اسماعيل به جريان افتاد. (بنت الشاطی،بی تا، ص۲٦) هاجر با تكيه به كمک ها و امدادهاي الهي فرزندش اسماعل را در سرزمين تنهايي تربيت كرد و حس خدا جويي او را به گونه اي پرورش داد كه وقتي پدرش ابراهيم به او فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى» (صافات:۱۰۲) پسرم! من در خواب ديدم كه تو را ذبح مي كنم، نظر تو چيست؟ در جواب گفت: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» پدرم! هرچه دستور داري اجرا كن، به خواست خدا مرا از صابران خواهي يافت.

۵. مادر و تربیت اخلاقی فرزند

كودک چگونگي برخورد با ديگران و نحوه رفتار با آنان را از اطرافيان و كساني كه با آن ها

سروكار دارد، يادمي گيرد. به اين دليل كه بخش اعظم يادگيري كودک از راه مشاهده انجام مي گيرد و او با ديدن رفتار نزديكان از آنها تقليد نموده، همانندسازي مي كند و سعي دارد حركات و رفتار خود را با آنان منطبق سازد. بر اين اساس، تقليد از الگوهاي خاص، نقش اساسي در يادگيري كودكان دارد. تجربه هم نشان داده است كه نيروي حسي كودک، بيش از ديگر قواي او فعّال مي شود و به تصوير برداري از صحنه هاي زندگي مي پردازد. ديدگان كودک همانند دوربين عكاسي از تمام منظره هاي پيرامون خود تصوير برداري مي كند و به خزانه ذهني مي سپارد.(روان شناسی رشد، ص۲۹۵) اين تصويرهاي ذهني در خزانه ذهن كودک انباشته مي شود و به تدريج در رفتار او ظهور و بروز مي يابد و سراسر زندگي وي را تحت تأثير قرار مي دهد.

از ميان اطرافيان، مادر بيش ترين نقش را در شكل دهي رفتار كودک دارد؛ چراكه او بيش از همه با فرزند بسرمي برد و تأثير عاطفي- رواني بيشتري بر او مي گذارد. كودک هم به دليل اُنس و علاقه فوق العاده با مادر، به تمام معنا به او اعتماد داشته و رفتارهاي وي را درست تلقي نموده، از آن الگو برمي دارد. صداقت و راست گويي، وفا و تعهد، امانت داری، محبت و مهرباني و امثال آن را كودک از اعضاي خانواده، به ويژه مادر مي آموزد و فرامي گيرد. مادر مي تواند با استفاده از ارتباط عميق روحي و عاطفي خود با كودک، ارزشهاي اخلاقي را به او عرضه داشته، انطباق با آنها را از او بخواهد. اگر مادر خود صادق بود و در تمام كارها، صادقانه رفتار كرد و سخني برخلاف واقع نگفت و فرزند را هم تشويق به آن نمود، صفت راست گويي را در او نهادينه كرده و ارزش صداقت در گفتار و رفتار را در قلبش مستقر ساخته است. مادر بايد از طريق تمرين و تشويق گرايش به پذيرش ارزشهاي اخلاقي در كودک به وجود آورد و او را در اين مسير نگه دارد.

مادر حاتم طائي از جمله مادراني است كه ارزشهاي اخلاقي را به فرزندش آموخت و او را به جود و سخاوت مفتخر ساخت. طبق شواهد تاريخي، حاتم طائي صفت نيک بخشش و جوان مردي را از مادرش فراگرفت. مادر حاتم زني بود كه چيزي را نگه نمي داشت و هرچه به دست مي آورد به نيازمندان مي داد. برادران او به شدت با اين كارش مخالفت مي-كردند. آنان مال و دارايي خواهر را گرفتند و چيزي در اختيارش نگذاشتند. مدتي بدين منوال گذشت، سپس شتري از شتران خواهر را در اختيارش قرار دادند. زني از قبيله هوازن كه هرسال يكبار مي آمد و خرج

خود را از او دريافت مي-كرد، اين بار نيز نزد او آمد و درخواست كمک كرد. مادر حاتم گفت: جز اين شتر چيز ديگري برايم نمانده است. او آن شتر را به آن زن داد و اظهار داشت: حتي اگر از گرسنگي بميرم، راضي نيستم بيچاره اي را از خانه ام نا اميد سازم. (بنت الشاطی،ص۲۲) رفتار سخاوتمندانه مادر، در ذهن و قلب حاتم نهادينه شد و سراسر وجودش را تحت تأثير قرار داد و او بر اين صفت پسنديده شهرت يافت. هنگامي كه دخترش به عنوان اسير نزد پيامبر اسلام(ص) برده شد، حضرت به خاطر سخاوتمندي پدرش او را احترام كرد و آزاد ساخت. (همانجا)

۶.مادر و پرورش عزت نفس فرزند

عزت نفس و بزرگ منشي از صفات برجسته انساني است كه هرفردي سعي دارد آن را هم در خود و هم در فرزندان و نزديكانش ايجاد و تقويت نمايد. عزت نفس به معناي قوت و قدرت و ارجمندي، حالتي است در انسان كه ريشه در فطرت بشر دارد و نمي گذارد كسي در فراز و نشيبهاي زندگي احساس شكست كند يا مغلوب هوا و هوس گردد. در اين جا منظور از عزت نفس، شناخت حقيقت نفس خويش و قرار دادن آن در مقام و منزلت واقعي خود است. (حسینی، ١٣٧٤،واژه«تربیت») تقويت عزت نفس به اين معنا در شمار اصول تعليم و تربيت مي باشد كه مربي بايد در مقام تربيت بدان توجه كند. زيرا ناديده انگاشتن عزت فرد به تكبر و غرور متربي يا به ضعف نفس او منجر مي گردد كه هركدام پيامدهاي نامطلوب تربيتي را به همراه دارد.

عزت، به معناي حقيقي خود مخصوص خدا، پيامبر و مؤمنان به اسلام و قرآن است كه خداوند مي فرمايد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون:۸) عزت مخصوص خدا و پيامبر و مؤمنان است. در جاي ديگر مي فرمايد: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (يونس:٦٥) همه عزتها از آن خداست. عزت، يعني شكست ناپذيري و قدرت و صلابت از ويژگيهاي كساني است كه نور ايمان در قلوب شان تابيده و در برابر تحولات و حوادث، كوچک ترين تزلزلي از خود نشان نمي دهند. زيرا انسان در اثر ايمان به خدا و پيامبر(ص) از آن عزت مندي واقعي بهره مند گشته، در سايه ايمان و تقوا با كمال آرامش و اطمنان خاطر زندگي مي كنند. چنين صفتي را از زمان كودكي بايد در فرزندان ايجاد كرد و آنها را با آن خصلت پرورش داد. چنان كه انبيا و بزرگان دين از كودكي

عزت و شجاعت و بزرگواري را آموختند و در مواقع لازم از آن بهره گرفتند. داستان كودكي و رشد ابراهيم خليل(ع) در غار و آموختن صفات پسنديده از مادر و دريافت وحي و ديدن ملكوت آسمان و زمين بهترين گواه بر اين امر است. چون آن حضرت در اثر صلابت و قوت نفساني و مبارزه در برابر بت پرستان، به عنوان اسوه حسنه معرفي شده است. (الميزان،ج۷،ص۲۷۷)

به فرمود علامه طباطباي: دستگاه آفرينش به گونه اي انسان را مجهز كرده كه بتواند بدون اتكا به ديگران زندگي خود را اداره كند. ازاين رو، او بايد نيروهاي خدادادي خويش را در راه نيل به مقاصد به كار گيرد و به نيروي ديگران متكي نباشد. اگر چنين كرد به تدريج آن حالت عزت و استقلال در او پديد مي آيد و به زندگي آبرومندانه روي مي آورد. هرگز به ذلت و خواري و كردار زشت تن نمي دهد. در اين صورت است كه هم زندگي دنياي او به خوبي پيش مي رود و هم در آخرت به سعادت ابدي مي رسد. بسياري از ظلم و جنايتها در عالم ناشي از ضعف نفس و تن دادن به پستي است كه فرد حاضر مي شود براي رسيدن به منافع مادي به هر جنايتي دست بزند. اگر كسي تاج افتخار عزت نفس را برسردارد، در برابر هيچ عظمتي جز عظمت پروردگار سر فرود نمي آورد و در مقابل هيچ خواسته اي زانو نمي زند تا كار خلافي مرتكب گردد. (طباطبايی،بی تا،ص۱۸۸) چه كسي مي تواند، صفت عزت مندي را در كودک به وجود آورد؟ شايد هيچ كس به اندازه مادر نتواند خصال نيک را در فرزند پديد آورد و آن را در وي رشد دهد و شكوفا سازد. چرا كه يادگيري كودک از مادر بيش از ديگران است. گذشته از گفتار، رفتار مادر نيز براي فرزند آموزنده و اثربخش است. به نظر مي رسد، رفتار مادر بيش از گفتارش در پرورش عزت نفس كودک اثر دارد و ازاين رو، او نبايد كارهايي انجام دهد كه با عزت فردي و خانوادگي اش منافات داشته باشد. ناگفته پيداست كه رفتارهاي پست و دون شأن يک مادر مسلمان در محيط خانه و مشاهده آن به وسيله كودكان، آنها را به همان مسيري كه پدر و مادر به آن سو مي روند، سوق خواهد داد.

امام علي(ع) در سفارشهاي تربيتي شان به امام حسن مجتبي(ع) به عزت نفس و اهميت آن در زندگي اشاره مي كند: «وَأكرِم نَفسَكَ عَن كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إن ساقَتكَ اِلي الرَّغايِبِ فَإنَّكَ لَن تَعتاضَ بِما تَبذَلُ مِن نَفسِكَ عِوَضاً» (نهج البلاغه،نامه۳۱) كرامت و عزت نفس خود را از هرگونه پستي

بالاتر بدار، اگرچه تو را به آنچه که ميل داري برساند؛ زيرا تو در برابر آنچه که از شرف خود از دست مي دهي، عوض نخواهي گرفت. اين بيان امام(ع) به اهميت عزت نفس و زيانهاي ناشي از ذلت پذيري و تن دادن به پستي و خواري اشاره دارد که در صورت عبور از عزتمندي و اتکاء به ديگران، دست آورد انسان به مراتب کمتر از آن چيزي خواهد بود که از دست مي دهد. زيرا هيچ چيزي بالاتر از ارزش آبرو و حيثيت انسان نيست که با رفتن به درِ خانه اين و آن لکه دار مي شود.

۷.مادر و پرورش حس خود باوری فرزند

خود شناسي و درک واقعيت خويشتن و شناخت آنچه انسان از نيرو و استعداد در اختياردارد، از مسائل مهم حيات انساني است و در تعيين راه و روش زندگي فرد نقش اساسي ايفا مي کند. هرکس بايد بداند که چه توان و نيرويي در وجود او نهفته و از چه ويژگيهايي برخوردار است که مي تواند با به کارگيري آنها به کمال مطلوب زندگي دنيا و آخرت دست يابد. توان جسمي، قدرت تعقل و تفکر، خلاقيت و نوآوري از امتيازات انسان است و در هيچ موجود ديگري وجود ندارد. اگر انسان به واقعيتهاي وجودي خود پي ببرد و آگاهي کامل پيدا کند، يک نوع حس خود باوري و اعتماد به نفس در او پديد مي آيد و باور مي کند که مي تواند در جهت رشد و پيشرفت فردي و اجتماعي خود منشأ خدمات و مصدر فعاليتهاي مختلف قرارگيرد. در اشعاري منسوب به امام علي(ع) آمده است: «أتَزعَمُ اَنَّکَ جِرمٌ صَغِيرٌ وَ فِيکَ اِنطَوَی اَلعالَمُ الاَکبَرُ»؛ (حيدر آملی:بی تا،ج۱،ص۲۵٤) آيا تو مي پنداري که موجود ضعيف و ناچيزي هستي، چنين نيست، بلکه وجود تو نمادي از عالم کبير، يعني جهان هستي است. آنچه در عالم هست، به نوعي در وجود انسان تعبيه شده و به کار رفته است. پس انسان نبايد خود را کوچک بشمارد و ظرفيتهاي وجود خويش را باور نداشته باشد.

اينک، سوال اين است که چه کسي مي تواند اين حس خود باوري را در انسان ايجاد کند و او را با توانايي هايش آشنا سازد؟ به نظر مي رسد، مؤثرترين فرد در اين زمينه نيز مادر است و او مي تواند به عنوان يک مادر و مربي دل سوز اين حس را از آغازکودکي در کودک ايجاد و تقويت کند که او از توان و قدرت خاصي برخور دار است و در عرصه هاي گوناگون حيات بشري مي تواند

نقش آفريني كند و خلاقيت و ابتكار از خود نشان دهد. مهم ترين درسي كه مادر بايد به فرزند بياموزد، پرورش حس خود باوري در كودک است او بايد به كودک بياموزد كه خداوند انسان را عزيز، با كرامت، نيرومند و با استعدادهاي بالايي آفريده است.

فضاي خانه جاي مناسبي است براي پرورش استعدادهاي كودک و تربيت درست او و ازاين رو، در محيط منزل بايد به پرورش همه جنبه هاي وجودي او، بها داد و در جهت رشد شخصيت وي تلاش كرد. نبايد كودک را سركوب، تحقير يا امر و نهي زياد كرد كه حالت تحكم و سرزنش داشته باشد، چرا كه در اين صورت، او به لحاظ تصميم گيري و برنامه ريزي نسبت به آينده و ابراز وجود در عرصه هاي سرنوشت ساز زندگي، ضعيف و منفعل و كم جرأت بارمي آيد. هرچند در اثر تلاش و زحمت از نظر علمي و معلومات در سطح بالايي قرار گيرد، ولي نمي تواند اندوخته هاي علمي اش را در ميدان عمل عرضه نمايد. چون شخصيت او در كودكي خرد شده و توان ابراز وجود از او سلب شده و پدر و مادر آن قدر سرش داد زده و او را سركوب نموده كه ديگر زمينه اي براي اظهار وجود برايش باقي نمانده است. چنان كه اين مسأله در بسياري از خانواده هاي نا متعادل به وضوح مشاهده مي شود و به همين دليل زماني كه فرزندان شان در سن جواني و بزرگسالي مي رسند، به انجام كارهاي مهم سياسي و اجتماعي قادر نيستند. در اين زمينه مادر نقش بيشتري مي تواند ايفا نمايد، هم در جهت منفي و هم در جهت مثبت، ولي او به جاي اينكه شخصيت فرزندش را خرد كند، مي بايست به تقويت روحي و رواني او همت گمارد و شخصيت او را پرورش دهد تا به عنوان يک انسان مؤثر در اجتماع ظاهر گردد و منشأ فعاليت و مصدر خدمت واقع شود.

۸.مادر و تكريم و احترام فرزند

حترام به ديگران از مسائل مهم در فرهنگ اسلامي است و در متون ديني فراوان بر آن تأكيد شده است. چرا كه انسان ذاتاً محترم است و مورد تكريم خداي متعال قرار گرفته است. خداوند مي فرمايد: «وَ لَقَد كَرَّمنا بَنِي آدَمَ» (اسرا: ۷۰) ما آدمي زادگان را گرامي داشتيم. كرامت انسان به خاطر توانايي هاي جسمي وروحي او است كه در اختيار دارد و مي تواند با به كارگيري آنها در

زندگي خود به سعادت دنيا و آخرت نائل گردد.(تفسير نمونه،ج۸،ص۲٤۱) علامه طباطباي كرامت انسان را به ارزشهاي ديني او تفسير مي كند، نه، به هيكل ظاهري او: «بزرگداشت مردم نه اين است كه هركار ناشايسته اي از هركس ديدي لب فروبندي و بگذري يا در مجلسي كه همه اهل آن مجلس خلاف شرافت انساني رفتار مي كنند يا عملي را مخالف مقررات ديني انجام مي دهند، با آنان آميزش كني و از ترس رسوايي همرنگ جماعت شوي؛ زيرا احترام مردم در حقيقت احترام شرافت انسان و مزيت ديني و اخلاقي آنان است، نه احترام هيكل و اندام شان، اگر شخصي شرافت انساني و مزيت ديني خود را از بين ببرد، دليلی براي بزرگداشت وي وجود ندارد.» (طباطبایی،بی تا،ص۱۸۲) بنا براين، انسان تا زماني داراي كرامت است و احترام دارد كه به ارزشهاي اسلامي احترام بگذارد؛ در غير اين صورت هيچ گونه كرامت و احترامي ندارد.

سیره پیامبر اسلام(ص) نیز بر احترام به کودکان بوده است. هرگاه آن حضرت با کودکان رو به رو مي شد، مانند يک انسان بزرگ به آنان احترام مي گذاشت و شخصيت آنها را گرامي مي داشت. هنگامي كه حضرت از سفر بازمي گشت، كودكان به استقبال شان مي رفتند و ايشان هم خود آنها را مورد لطف و نوازش قرارمي داد و هم به اصحاب مي فرمود آنان را با خود سوار كنيد. پيامبر(ص) در حالي با يارانش به شهر بازمي گشتند كه هركدام يكي از كودكان را با خود سوار كرده به همراه داشتند. اين كار پيامبر(ص)، افزون بر اينكه احترام به كودكان بود، مهر و محبت آنها را نيز به او زياد مي كرد و به همين دليل بسياري از آن كودكان جزو ياران با وفاي آن حضرت قرار گرفتند و در جنگها شركت داشتند.(امینی:۱۳۸۱،ص۱۹۳)

کودک، يک انسان پاک و معصوم و بدور از گناه و معصيت است، از اين رو، بيش از ديگران شايسته تكريم و تعظيم مي باشد و احترام به او از عوامل مهم در پرورش شخصيتش به شمار مي رود. براين اساس، به كودک بايد احترام گذاشت و او را تكريم كرد؛ چنان كه رسول خدا(ص) فرمود: «أكرِمُوا أولادَكُم وَ أحسِنُوا آدابَهُم يُغفَر لَكُم» (بحار:ج۱۰۱،ص۹۵) فرزندان تان را گرامي بداريد و آنها را نيكو تربيت كنيد تا خدا شما را بيامرزد. تجربه هم نشان داده است؛ اگر بچه در كودكي مورد تكريم و احترام بزرگسالان قرارگيرد، بزرگوار، شريف و با شخصيت بارمي آيد و براي حفظ شأن و كرامت خود از كارهاي زشت و نا پسند دوري مي كند. (امینی،ص۱۹۲)

مادر بیش از همه شایسته احترام و تکریم به کودک است، چون او تماس مستقیم با وي دارد و در هر زماني از احوال واوضاعش با خبر است. نباید فرزند را از نظر روحي و رواني تحقیر کرد و او را بي ارزش و کم اهمیت تلقي نمود، بلکه به شخصیت او باید توجه کرد و درکارهاي که انجام مي دهد تشویق نمود تا استعدادهاي دروني وي شکوفا گردد. اُمّ عَمرو، یکی از مادران نمونه است که به همراه شوهرش، جنادة بن حارث انصاری، در کاروان امام حسین(ع) بود. روز عاشورا، ابتدا شوهرش به شهادت رسید، سپس فرزندش عمرو را راهی میدان کرد. عمرو، خدمت امام حسین(ع) آمد و اجازه رفتن به میدان خواست. امام(ع) فرمود: چون پدر این جوان به شهادت رسیده، شاید مادرش راضی به رفتن او نباشد. عمرو گفت: من با تشویق مادرم به حضور شما شرفیاب شده ام تا مرا به میدان جنگ بفرستید. حضرت به وی اجازه نبرد داد و عمرو با شور و اخلاص به جنگ پرداخت و سرانجام به فیض شهادت نائل شد. کوفیان سر او را جدا کرده، به سوی سپاه امام حسین(ع) انداختند. مادر عمرو، سر بریده فرزند را در آغوش گرفت و گفت: آفرین بر تو پسرم! آنگاه سر فرزند را به سوی دشمن پرتاب کرد و به وسیله آن یک نفر را کشت. سپس ستون خیمه را برداشت و به جنگ دشمن رفت و دو نفر را به هلاکت انداخت. امام(ع) او را به خیمه برگردانید و در حق وی دعا کرد. (شیرازی، ۱۳۹٤،ص۲۲۸)

نتیجه گیری

آنچه در این مقاله گفته شد، به نکات مهمی در نقش تربیتی مادر رهنمون می سازد که به صورت اختصار در قالب رقم مورد اشاره قرارمی گیرد.

۱.مادر یگانه تکیه گاه فرزند است در ابعاد مختلف شخصیتی فرزند که او می تواند در تمام دوره های زندگی از کودکی تا جوانی با استفاده از هدایتهای مادر شخصیت مطلوبی برایش کسب کند.

۲.مادر، در دوره جنینی فرزند هم می تواند نقش آفرینیهای زیادی داشته و زمینه تربیت صحیح دینی و معنوی او را فراهم کند. نوع افکار، حالات روحی و روانی و عمل کرد مادر تأثیر بسزایی در شکل دهی شخصیت فرزند دارد که در روایات اسلامی توصیه های فراوانی در این

زمینه صورت گرفته است.

۳.مادر در دوره کودکی تنها همراه دائم و مستمر فرزند است که تمام اعمال و رفتارهای او بر چگونگی اندیشه، عواطف و رفتار وی مؤثرند. یک مادر آگاه به مسائل تربیتی و روشهای صحیح پرورش فرزند می تواند در هدایت وی به صراط مستقیم به خوبی ایفای نقش کند و فرزند را در زندگی دنیا و آخرت سعادتمند سازد.

٤.سیره عملی اهل بیت(ع)، مخصوصاً زندگی فاطمه زهرا(س) و فعالیتهای تربیتی او در پرورش اولاد و زیردستان–شان مانند فضه خادمه، بهترین الگو و سرمشق در تربیت فرزند است. مادران متعهد و متدین می توانند با مراجعه به تاریخ حیات پُربار آن حضرت از چگونگی برخورد ایشان با فرزند و شیوه تربیتی حضرت زهرا(س) برترین بهره ها را ببرند.

۵.مادران زیادی از گذشته تا کنون وجود داشته و دارند که با تأسی به سیره عملی و سخنان معصومین(ع) و به ویژه فاطمه زهرا(س) بهترین فرزندانند را تربیت و تحویل جامعه انسانی داده اند. مادر شیخ انصاری از جمله مادران نمونه در تربیت فرزند است که داستانش به صورت اجمال در این مقاله ذکر شد و جای دقت و الگوگیری دارد.

٦.وظایف مادران در تربیت فرزند بسیار مهم و سنگین است و امید است که آنها به این وظیفه مهم توجه و بهترین راه و روش را در امتثال آن پیموده و با پرورش اولاد صالح هم آینده خانواده و هم آینده جامعه دینی و اسلامی را بیمه کنند. هرگاه مادران فرزندان صالح و دین مدار تحویل جامعه دهند، طبعاً دشمنان اسلام نمی توانند کمترین آسیبی به دین و اسلام و جامعه اسلامی برسانند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، ترجمه: محمد، دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۸.

آملی، سید حیدر، **تفسیر المحیط الاعظم**، تحقیق: سید محسن موسوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١٤ق

ابن شعبة، الحرانی، **تحف العقول عن آل الرسول**، تهران، مکتبة الصدوق، ١٣٧٦ه.ق

احمد حسن‌الزیارت ،**حامد و عبدالقادر محمدعلی نجار**، المعجم الوسیط، تهران، صادق، ۱۳۸۷.

امینی، ابراهیم، **تربیت**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۲.

بخاری، محمد بن اسماعیل، **الصحیح البخاری**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٩ق.

بنت الشاطی، آمنه، **ترجمه حسین اژدری آزاد**، کتاب فروشی اتروپات، بی‌جا.

بیج، زیموند، **ما و فرزندان ما**، ترجمه: منیرمهران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۸.

بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الکبرا**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ق.

تاج لنگرودي، محمد مهدي، **اخلاق حضرت فاطمه**(س)،دفتر نشر متاز، ۱۳۷۵.

جلالی، مهدی، **روان شناسی کودک**، تهران، امیرکبیر، ١٣٥٦.

جمعی از پژوهشگران، **گلشن ابرار**، قم، نشر معروف، ۱۳۷۹.

حجتی، محمد باقر، **اسلام و تعلیم تربیت**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۰.

الحر العاملی، محمد، **وسائل الشیعه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤١٢ق.

حسیني، سید مصطفي، **معارف معاریف**، انتشارات صدر، ١٣٧٦.

دشتی، محمد، **مسؤلیت تربیت**، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین، ۱۳۸۱.

شعاری نژاد، علی اکبر، **روان شناسی رشد**، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.

شیرازی، علی، زنان نمونه،قم، بوستان کتاب، ١٣٩٤.

عطاران، محمد، **آرای مربیان بزرگ مسلمان**، تهران، وزارت آموزش و پرورش، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

طباطبـاي، سـيد محمـد حسـين، **خلاصـه تعـاليم اسـلام**، بـه كوشـش داود الهـامي، تهـران، انتشارات كعبه، بي‌تا.

طباطبـائی، سـيد محمـد حسـين، **الميـزان فـی تفسـير القـرآن**، قـم، دفتـر انتشـارات اسـلامی، ١٤١٧ق .

قائمی، علی، **نقش مادر در تربیت**، تهران، انتشارات امیری، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.

قربانی، زین العبدین، **اخلاق تعلیم و تربیت**،قم، انصاریان، ١٣٧٤.

القزوینی، محمد کاظم، **فاطمه من المهدی الی اللحد**، بیروت، دار الزهراء، ١٤١٥هق.

کریمی نیا، محمد علی، **الگوهای تربیت اجتماعی**،پیام مهدی، ۱۳۷۷.

کلینی، محمد، **فروع کافی**، بیروت، دارالاضواء، ١٤١٣ه.ق.، ج٦، ص٢٦.

گلیبـرت، مـارگرت‌شـی، **بیـوکرافی پـیش ازتولـد**، ترجمـه محمـود بهـزاد، تهـران، شـرکت انتشارات علمی وفرهنگی، ١٣٤٧.

مجلسی، محمد باقر، **حلیة المتقین**، قم، انتشارات عصر ظهور، ۱۳۸۱.

مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعه الثالثه، ١٤٠٣ق.

محمدی ری شهری، محمد، **منتخب میزان الحکمة**، دارالحدیث، قم،۱۳۸۱.

مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران، صدرا، ۱۳۹۰.

مقرم، سید عبدالرزاق، **مقتل الحسین**، تهران، کتابشناسی تاریخی امام حسین، ۱۳۸۰.

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، قم، مطبوعاتی هدف، ١٣٧٤.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.